

دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح جلسه اول، مقدمه، بخش اول، داستان کتاب مقدس، نجات، برنامه ریزی شده، انجام شده، اعمال شده و به کمال رسیده

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کار نجات مسیح است. این جلسه ۱، مقدمه، بخش ۱ داستان کتاب مقدس، نجات برنامه ریزی شده، انجام شده، اعمال شده و به کمال رسیده است.

قبل از اینکه حتی شروع به صحبت در مورد کار نجات مسیح با هم کنیم، بیایید با خداوند در دعا صحبت کنیم.

ای پدر مهربان، از تو سپاسگزارم که پسر تو را فرستادی تا نجات دهنده‌ی جهان، حتی نجات دهنده‌ی ما باشد. ما را برکت بده، تشویق کن، به ما پیاموز، دعا می‌کنیم، به وسیله‌ی عیسی مسیح، پروردگار ما. آمین.

این افتخار را دارم که سخنرانی‌هایی در مورد کار مسیح برای شما ارائه دهم و امروز مقدمه ماست. موضوعاتی که قصد داریم پوشش دهیم عبارتند از: داستان کتاب مقدس، قرار دادن مرگ و رستاخیز مسیح در چارچوب داستان کتاب مقدس، رستگاری به عنوان یک چشم‌انداز، شامل رستگاری که قبل از خلقت جهان برنامه ریزی شده، در قرن اول محقق شده، توسط روح القدس در زندگی مؤمنان اعمال شده و سپس در رستاخیز عادلان به کمال رسیده است. خوب است که برای مدتی روش الهیاتی را بررسی کنیم و قصد داریم این کار را انجام دهیم.

سپس می‌خواهم درباره برخی از کتاب‌های کلیدی که در مطالعه آموزه کفار، یا همانطور که دوست دارم آن را بنامم، آموزه کار نجات بخش مسیح، به من کمک کرده‌اند صحبت کنم، زیرا این آموزه چیزی فراتر از کفار است. می‌خواهم به دو متن برجسته و تأثیرگذار از هر عهد که شایسته توجه هستند، یعنی اشعیا ۵۳ در عهد عتیق و رومیان ۳، به ویژه ۲۵ و ۲۶، متن بزرگ کفار در عهد جدید، نگاهی بیندازم. سپس بخش طولانی در مورد تاریخچه آموزه کفار خواهیم داشت.

من معتقدم که خوب است در مورد چگونگی درک رهبران کلیسا از قرن اول تا بیستم از کاری که عیسی برای نجات ما انجام داد، فکر کنیم. هدف ما کپی کردن از هیچ یک از آنها نیست، بلکه درس گرفتن از اشتباهات آنها، و به ویژه از نکات خوبی است که آنها از مطالعه کتاب مقدس و تفکر در مورد کاری که عیسی برای ما انجام داد، به دست آوردند. و در نهایت، از آنجایی که شخص و کار مسیح از هم جدا نیستند، نگاهی مختصر به آموزه مسیح یا مسیح شناسی، برای درک بهتر کاری که او برای نجات ما انجام داد.

خب، داستان کتاب مقدس. می‌خواهم به الهیات مسیحی، داستان کتاب مقدس و ایمانمان که در نوشتن آن نقش داشتیم، اعتبار ببخشم. کار نجات بخش عیسی، محور داستان کتاب مقدس است.

خدا همه چیز را می‌آفریند و آنها را به راستی بسیار نیکو می‌خواند. پیدایش ۱:۳۱. او آدم و حوا را به شباهت خود، مقدس و در رفاقت با خود می‌آفریند.

والدین اولیه ما با نافرمانی از کلام خالق و دوست خود، علیه او شورش کردند. به محض اینکه این اتفاق افتاد، خدا اولین وعده رستگاری را داد. بقیه عهد عتیق بر اساس وعده خدا در عدن بنا شده است.

قربانی‌های لاویان به قربانی بزرگی اشاره دارند که به همه قربانی‌ها پایان خواهد داد. مزمور ۲۲ از رنج‌کشنده‌ای، بی‌گناه سخن می‌گوید که دست‌ها و پاهایش سوراخ خواهد شد، آیه ۱۶، و فریاد خواهد زد، خدای من خدای من، چرا مرا رها کردی؟ آیه ۱. اشعیا بنده خداوند را پیشگویی می‌کند که برای رهایی قوم خود به نیابت از او خواهد مرد. تجربه یونس با ماهی بزرگ، پسر انسان را پیشگویی می‌کند که سه روز و سه شب در دل زمین خواهد بود.

متی ۱۲، ۴۰. چهار انجیل از آمدن این موعود خبر می‌دهند، که کار نجات‌بخش او، داستان او را به اوج خود می‌رساند. پسر ابدی خدا، هنگامی که توسط روح‌القدس در رحم مریم قرار می‌گیرد، به انسان تبدیل می‌شود، غلاطیان ۴:۴. او رشد می‌کند و به یک مرد تبدیل می‌شود.

یحیی تعمید دهنده او را در رود اردن غسل تعمید می‌دهد و بلافاصله، روح او را به بیابان می‌برد، جایی که او با موفقیت وسوسه‌های شیطان را تحمل می‌کند، متی ۴:۱. پس از جمع‌آوری ۱۲ شاگرد، او موعظه می‌کند، تعلیم می‌دهد، شیاطین را بیرون می‌کند، بسیاری از بیماری‌ها را شفا می‌دهد و ۱۲ نفر را به مدت سه سال آموزش می‌دهد. قلب و روح خدمت او مرگ و رستاخیز اوست. عیسی بین دو دزد مصلوب می‌شود و پس از وعده به دزد توبه‌کار، امروز با من در بهشت خواهی بود، لوقا ۲۳:۴۳، عیسی فریاد می‌زند، تمام شد، یوحنا ۱۹، ۳۰، ۲۳:۴۶، لوقا ۱۹، ۳۰.

سه روز بعد، طبق محاسبات یهودی، او از مردگان برخاست و بر بسیاری از مؤمنان، از جمله شاگردانش و مسیحی به طور همزمان ظاهر می‌شود، اول قرن‌تین ۱۵:۶. او به مدت ۴۰ روز، معنای رسالت خود را از ۵۰۰ عهد عتیق به پیروانش می‌آموزد و پس از وعده ریختن روح، در حضور آنها به حضور پدر در بهشت صعود می‌کند، لوقا ۲۴:۵۱، که از آنجا وعده بازگشت در ظهور دوم خود را می‌دهد، یوحنا ۳:۱۴. این فقط مروری، کوتاه بر داستان کتاب مقدس است. من می‌خواهم کمی به چهار نکته اصلی، یا حداقل سه نکته اول، خلقت، سقوط و رستگاری پردازم. همانطور که در مورد خلقت فکر می‌کنیم، این سؤال مطرح می‌شود: آیا اگر گناهی وجود نداشت، تجسم پسر خدا وجود داشت؟ شما می‌گویید، البته که نه.

متأسفانه، در تاریخ کلیسا، برخی واقعاً استدلال کرده‌اند که تجسم رخ داده است. ما با کالوین موافقیم که می‌گفت تجسم، راه خدا برای اصلاح وضعیت سقوط بود. اما کالوین با اوسیاندر، کشیش و متفکر نسل دوم لوتری، که پس از مرگ لوتر، با دیدگاه‌های نادرست خود، از جمله توجیه از طریق تزریق، که بسیار بیشتر با روم مطابقت دارد، بسیار بیشتر از اصلاحات با روم مطابقت دارد، به جای نسبت دادن، مبارزه کرد.

شاید از آنجا که لوتر رهبری بسیار قوی بود، اوسیاندر عاقلانه عمل کرد و آموزه‌هایش را تا زمان مرگ لوتر نزد خود نگه داشت. پس از مرگ لوتر، اوسیاندر گفت: «خب، او به راحتی از شر آنها خلاص نشد.» کالوین با او جنگید و او را شکست داد.

همانطور که اوسیاندر گفت، بله، تجسم بدون سقوط نیز اتفاق می‌افتاد. نه، کالوین گفت، شما خط داستانی کتاب مقدس را اشتباه تفسیر می‌کنید. تجسم، حرکت نجات خدا برای رستگاری انسان‌های سقوط کرده است.

همانطور که خلاصه داستان گفت، همانطور که به سقوط فکر می‌کنیم، بلافاصله به اولین وعده رستگاری فکر می‌کنیم. چقدر قابل توجه است که در فصل سوم کتاب مقدس، خداوند وعده رستگاری می‌دهد. پیدایش ۱ و ۲ درباره خلقت آسمان‌ها و زمین توسط خدا و به ویژه آفرینش مرد و زن به تصویر او به ما می‌گوید ۱

پیدایش ۳ سقوط والدین اولیه ما را در گناه بازگو می‌کند. پس از سقوط، خداوند ما را نفرین کرد و اعلام کرد که بین ما و بین فرزندان شیطان و فرزندان خدا دشمنی برقرار خواهد کرد. خداوند در ادامه می‌گوید: در

درگیری فوری، تنها نسل زن که برای نژاد خود ایستادگی کرد، توسط دشمن خدا مورد ضرب و شتم قرار خواهد گرفت.

در نبرد نهایی، ببخشید. با این حال، شیطان ضربه مهلکی به سرش خواهد خورد. او توسط نسل زن شکست خواهد خورد.

در اینجا، در آغاز تاریخ وحی ویژه، خداوند فیض خود را آشکار کرد. اندکی پس از آنکه آدم و حوا علیه خداوند شورش کردند، او اولین وعده نجات را داد. اولین اشاره به رهایی در کتاب مقدس شامل درگیری با پیروزی نهایی نسل زن است.

در اینجا، در اوایل کتاب مقدس، زمینه‌ای برای مضمون «کریستوس ویکتور» در مورد کار نجات‌بخش مسیح می‌یابیم. مسیح قهرمان قدرتمندی است که دشمنان قوم خود را در مرگ و رستاخیز خود شکست می‌دهد. بعداً، در مورد کتاب گوستاو آلمه، «کریستوس ویکتور»، که به یک اصطلاح فنی در الهیات مسیحی تبدیل شده است، صحبت خواهیم کرد.

آیا دارم به این واقعیت اشاره می‌کنم که اولین اشاره به این مضمون پیروزی است؟ نه، اما فقط دارم به آن اشاره می‌کنم. این یکی از مضامین بسیار است، همانطور که بعداً در مجموعه سخنرانی‌هایمان به آن خواهیم پرداخت. من شش مضمون اصلی کفاره، مضامین کتاب مقدس، یا تصاویر یا مضامین را برمی‌شمارم.

همانطور که به رستگاری، خلقت، سقوط، رستگاری و سپس تحت رستگاری، اسرائیل و کلیسا می‌پردازیم، البته، تعدادی زیرموضوع داریم. یکی از آنها رستگاری اسرائیل از مصر در خروج ۱۲ است. می‌توان چیزهای زیادی گفت.

یکی اینکه این روز، رهایی از بردگی در مصر بود. خداوند پس از دادن فرمان سبت، فرمود: به یاد داشته باشید که در مصر برده بودید و خداوند، خدای شما، شما را با دستی قدرتمند و بازوی دراز از آنجا بیرون آورد بنابراین، خداوند، خدای شما، به شما دستور داده است که روز سبت را رعایت کنید، تثبیه ۱۵: ۵. مزمور ۷۸:۴۲ از رهایی اسرائیل از دست ظالم مصر توسط خداوند سخن می‌گوید.

دوم اینکه، رهایی از بردگی مصریان با داوری بر مصریان همراه بود. خروج ۱۲:۲۹-۳۰ شرح می‌دهد که چگونه خداوند آخرین و بدترین بلا را بر مصریان نازل کرد. او تمام نخست‌زادگان مصر را کشت.

خروج ۲۷:۱۴-۲۸ می‌گوید که خدا دریا را بر روی لشکریان مصری که قوم خدا را تعقیب می‌کردند، بست. در اینجا، ما الگوی کتاب مقدس را می‌بینیم که می‌گوید خدا همزمان داوری و نجات می‌دهد. او اسرائیل را نجات می‌دهد و مصر را داوری می‌کند.

در عهد جدید، مرگ مسیح برای مؤمنان نجات‌بخش و برای شیطان، فرشتگان شریر و سیستم گناه‌آلود جهان داوری است. همانطور که در ادامه‌ی این مجموعه سخنرانی‌ها خواهیم دید، جهت کار نجات‌بخش مسیح را بررسی خواهیم کرد. منظور من از کار نجات‌بخش به طور خلاصه، مرگ و رستاخیز اوست.

خواهیم دید که کار نجات‌بخش او معطوف به انسان‌ها است. همانطور که این متن نشان می‌دهد، این کار معطوف به شکست دادن دشمنان ماست. اما از همه عمیق‌تر، کار مسیح معطوف به خود خداست.

ما این موضوع را در ادامه‌ی این مجموعه بررسی خواهیم کرد. پولس به ما می‌گوید که موعظه‌ی مژده‌ی نجات، برای کسانی که نجات می‌یابند، به معنای زندگی و برای کسانی که هلاک می‌شوند، به معنای مرگ

است. دوم قرننیاں ۱۵:۲-۱۶. مسیح برای مؤمنان گرانبهاست، اما، همانطور که گفته شد، سنگی است که باعث لغزش انسان‌ها می‌شود و صخره‌ای است که آنها را در برابر کافران سقوط می‌دهد.

اول پطرس ۲: ۷-۸. رهایی بزرگ از مصر، رویداد بزرگ نجات عهد عتیق، همچنین نشانه‌ای از ویژگی‌های خداوند بود. سوم، خداوند اغلب خود را از طریق عمل، کلام و وحی آشکار می‌کند. او سخن می‌گوید و عمل می‌کند.

این در مکاشفه او در خروج از مصر صادق است. از طریق کلام، سخنان خداوند به موسی، سرودهای موسی و مریم و غیره، و از طریق عمل، فرستادن بلاها، نجات از طریق دریا و غیره، خداوند خود را به عنوان خدای حقیقی و زنده در برابر خدایان دروغین مصر آشکار کرد. او با نشان دادن خود به قومش و داوری دشمن، نام خود را جلال داد.

او قدرت خود را نشان داد. خدا قدرت عظیم خود را هنگامی که مصر را از اسارت مصریان آزاد کرد، نشان داد. خروج ۱۳: ۳، مزمور ۷۸:۴۲. خروج ۴:۱ نتیجه این را بیان می‌کند، نقل قول، و هنگامی که بنی اسرائیل قدرت عظیم خداوند را که علیه مصریان به نمایش گذاشته شده بود دیدند، مردم از خداوند ترسیدند و به او و به موسی، بنده‌اش، اعتماد کردند، نقل قول. خدا خشم خود را در واقعه خروج آشکار می‌کند.

سرود موسی در خروج ۱۵، از زبان استعاری برای بیان خشم عظیم خدا علیه مصریان استفاده می‌کند، آیات ۱ تا ۸. مزمور ۷۸:۴۹ تا ۵۱ صریحاً این را بیان می‌کند. نقل قول می‌کند که او خشم شدید، غضب، خشم و خصومت خود را، گروهی از فرشتگان ویرانگر، علیه آنها رها کرد.

او راهی برای خشم خود آماده کرد. او آنها را از مرگ رهایی نداد، بلکه آنها را به طاعون سپرد. او تمام نخست‌زادگان مصر را کشت.

خداوند قدوسیت و جلال خود را در خروج آشکار می‌کند. در سرود موسی، بنی اسرائیل خداوند را به خاطر نابودی دشمن ستایش کردند. نقل قول، ای خداوند، کدام یک از خدایان مانند توست؟ کیست مانند تو باشکوه در قدوسیت، مهیب در جلال، که شگفتی‌ها می‌کند؟ تو دست راست خود را دراز کردی و زمین آنها را فرو برد.

خروج ۱۵:۱۱ و ۱۲. خدا محبت خود را با رهایی قومش از اسارت مصر نشان می‌دهد. در خروج ۳، آیات ۷ تا ۱۰. خدا نگرانی عمیق خود را نسبت به رنج اسرائیل تحت بردگی مصر ابراز می‌کند، ۱۰.

مزمور ۱۳۶ سرشار از ستایش خداوند به خاطر محبت بی‌دریغ اوست. آیات ۱۰ تا ۱۵ ما را شگفت‌زده می‌کند، جایی که خداوند به خاطر محبتش، نه تنها در رهایی اسرائیل، بلکه در داوری مصر نیز ستایش می‌شود. به او که نخست‌زادگان مصر را زد، محبتش تا ابد پایدار است.

او اسرائیل را از میان آنها بیرون آورد، و محبت او تا ابد پایدار است. با دست توانا و بازوی دراز، محبت او تا ابد پایدار است. به او که دریای سرخ را شکافت، محبت او تا ابد پایدار است.

او اسرائیل را از میان آن عبور داد و عشق او تا ابد پایدار است. اما فرعون و لشکرش را به دریای سرخ کشاند. عشق او تا ابد پایدار است. علاوه بر این، رویداد خروج در چارچوب عهد خدا قرار داشت.

بنابراین، با نگاهی گذرا، واقعه خروج، رهایی از اسارت مصریان بود. این واقعه با داوری مصریان همراه بود. این واقعه، صفات یا ویژگی‌های خدا را آشکار کرد و در چارچوب عهد خدا قرار گرفت.

یعنی، این عهد بود. خدا عهد خود را به یاد آورد. خروج ۲:۲۴-۲۵ نقل می‌کند که خدا ناله‌های آنها را شنید و عهد خود را با ابراهیم، اسحاق و یعقوب به یاد آورد.

بنابراین، خدا به بنی اسرائیل نگاه کرد و نگران آنها بود. خروج ۶:۵ و ۶:۵ تا ۸ اعلام می‌کند: «علاوه بر این، ناله بنی اسرائیل را که مصریان آنها را به بردگی گرفته‌اند شنیده‌ام و عهد خود را به یاد آورده‌ام. بنابراین، به بنی اسرائیل بگو: من یهوه هستم و شما را از زیر یوغ مصریان بیرون خواهم آورد. شما را از بردگی آنها آزاد خواهم کرد و با بازوی دراز و با داوری‌های قدرتمند، شما را رهایی خواهم داد. شما را به عنوان قوم خود خواهم گرفت و خدای شما خواهم بود. آنگاه خواهید دانست که من یهوه خدای شما هستم که شما را از زیر یوغ مصریان بیرون آوردم و شما را به سرزمینی که با دست بلند سوگند خوردم که به ابراهیم، اسحاق و یعقوب بدهم، خواهم آورد. من آن را به عنوان یک ملک به شما خواهم داد. من یهوه هستم»

رویداد خروج در چارچوب عهد خدا قرار دارد، عهدی که او به یاد آورد و با اسرائیل تجدید کرد.

این تجدید عهد در خروج ۱۹:۳ تا ۸ و ۲۴:۳ تا ۸ شرح داده شده است. در بخش اخیر، «موسی و رهبران اسرائیل به کوه خدا نزدیک شده‌اند. تنها موسی اجازه داشت به خداوند نزدیک شود. موسی سخنان و قوانین خدا را به قوم اسرائیل گفت. آنها خود را متعهد به اطاعت از خداوند کردند. سپس موسی سخنان و قوانین خدا را نوشت. صبح زود روز بعد، موسی در پای کوه قربانگاهی ساخت و ۱۲ ستون سنگی به نمایندگی از قبایل اسرائیل برپا کرد. قربانی‌هایی برای خداوند تقدیم شد. موسی نیمی از خون را گرفت و آن را در کاسه‌هایی ریخت و نیمی دیگر را بر قربانگاه پاشید. سپس کتاب عهد را گرفت و آن را برای مردم خواند. آنها پاسخ دادند: ما هر آنچه خداوند گفته است انجام خواهیم داد. ما اطاعت خواهیم کرد. سپس موسی خون را گرفت، آن را بر آنچه خداوند گفته است: این خون عهدی است که خداوند مطابق با همه این سخنان با شما بسته است.»

آیات شش تا هشت. وقتی در مورد رستگاری فکر می‌کنیم، نه تنها واقعه خروج در عهد عتیق به شکلی که شرح داده می‌شود مهم است، بلکه قربانی‌های لاویان نیز قابل توجه هستند. و آنها قربانی بزرگ و نهایی خداوند عیسی مسیح را پیشگویی می‌کنند.

لاویان اول تا نهم. بر اساس مطالعه‌ی قربانی‌ها، می‌توان موارد زیر را در مورد دین اسرائیل نتیجه گرفت. اولاً، این دینی برای تمام اسرائیل بود.

قربانی‌ها بر اساس توانایی مالی عبادت‌کننده، درجه‌بندی می‌شدند. من یک نمونه از قربانی گناه را ذکر می‌کنم. می‌توانستند یک بره یا بز ماده بیاورند.

لاویان ۵:۶. با این حال، «اگر توانایی خرید بره را ندارد، باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر بیاورد. آیه ۷: اما اگر توانایی خرید دو قمری یا دو جوجه کبوتر را ندارد، باید یک دهم ایفه آرد مرغوب برای قربانی گناه خود بیاورد.» (لاویان ۱۱:۵)

واضح است که سیستم قربانی اسرائیل توسط خدا طوری طراحی شده بود که هیچ کس به دلیل وضعیت اقتصادی از آن مستثنی نشود. همه باید قربانی گناه می‌آوردند. دین اسرائیل که بر اساس فرقه‌های قربانی بنا شده بود، دینی بود که شامل واسطه‌ها می‌شد.

کاهنان نماینده مردم در برابر خداوند بودند. لاویان ۱:۵، ۲:۲ و غیره. مردم باید شخصاً در پرستش خدا مشارکت می‌کردند، اما خداوند کاهنان را برای انجام وظایف مذهبی خاص از طرف مردم منصوب کرد.

فقط کاهن اعظم می‌توانست در روز کفاره وارد مقدس‌ترین مکان شود. او واسطه‌ای بود که در حضور خدا جای خدا را می‌گرفت. علاوه بر این، بر اساس قربانی‌ها، دین اسرائیل دینی بود که خواستار پاکی و اطاعت از خدا در مراسم بود.

دین اسرائیل ساخته‌ی دست بشر نبود. این دین توسط خدای حقیقی و زنده به او وحی شده بود. او قوانین را برای اسرائیل وضع کرد.

وجود سیستم قربانی اسرائیل نشان می‌دهد که خداوند خواستار پاکی و اطاعت از آیین‌ها بود. قوم او باید قربانی و اطاعت می‌کردند تا گناهان خود را کفاره دهند و آنها را در نظر او پاک سازند. لاویان ۱۶:۳۰ به زیبایی «می‌گوید»: این در روز بزرگ سالانه کفاره خواهد بود.

دین اسرائیل دینی بود که شامل بازنمایی یا جایگزینی می‌شد. همانطور که در لاویان ۱:۴ می‌خوانیم، برای هر فرد اسرائیلی، جایگزینی قربانی وجود داشت. او باید دست خود را، توجه کنید که چگونه دست وسیله شناسایی بود، بر سر قربانی سوختنی قرار دهد، و این دست از طرف او برای کفاره کردن گناهانش پذیرفته خواهد شد، نقل قول نزدیک. به همین ترتیب، کل ملت، به نمایندگی از بزرگان خود، باید قربانی گناه را به حضور خداوند می‌آوردند.

لاویان ۴:۱۵. در روز کفاره، کاهن اعظم باید هر دو دست خود را بر سر قربانی سوختنی می‌گذاشت و این قربانی از طرف او برای کفاره گناهانش پذیرفته می‌شد، نقل قول نزدیک. به همین ترتیب، کل ملت، به نمایندگی از بزرگان خود، باید قربانی گناه را به حضور خداوند می‌آوردند.

لاویان ۴:۱۵. در روز کفاره، مرا به خاطر تکرار این حرف ببخشید، پس از آنکه کاهن اعظم هر دو دست خود را بر سر بز زنده گذاشت و تمام شرارت و شورش بنی اسرائیل، تمام گناهان آنها را بر سر بز اعتراف کرد و آنها را بر سر بز گذاشت، لاویان ۱۶:۲۱. علاوه بر این، دین اسرائیل، که بر اساس قربانی‌ها بود، دینی بود که شامل بخشیدن زندگی و ریختن خون می‌شد.

خداوند دستور داد حیواناتی که برای قربانی آورده شده بودند، کشته شوند. او دستورالعمل‌های دقیقی در مورد دستکاری خون ریخته شده ارائه داد. با ترکیب این اصل با اصل آخر، متوجه می‌شویم که جان قربانی بخشیده شده و خون حیوان به جای گناهکاری که آنها را آورده بود، ریخته شده است.

خداوند زندگی و مرگ خشونت‌آمیز حیوانات را پذیرفت. لئون موریس، در کتاب برجسته‌اش، موعظه رسولی صلیب، مرا متقاعد کرده است که این معنای ریخته شدن خون در مراسم قربانی به جای گناهکاران است. این کتاب از مرگ خشونت‌آمیز حیوانات سخن می‌گوید.

در نهایت، در عهد جدید، خون مسیح، مرگ خشونت‌آمیز او بر روی صلیب است که کفاره گناهکاران را فراهم می‌کند. دین اسرائیل شامل کفاره و بخشش بود. این در فرهنگ دینی ریشه دوانده بود و محققان لیبرال امروزه می‌خواهند این چیزها را از آن بیرون کنند، دین بدون قربانی در عهد عتیق.

این دین عهد عتیق نیست. این دین دیگری است که آنها مطابق با خواسته‌های خود و به تصویر خودشان می‌سازند. ما فقط به چند نمونه از این موارد نگاه خواهیم کرد.

در لاویان ۵:۱۰، می‌خوانیم که لاویان ۶:۷ این شهادت را تقویت می‌کند وقتی که در مورد قربانی گناه می‌گوید: همانطور که در عهد جدید خواهیم دید، خود عهد جدید از این آموزه قربانی عهد عتیق در توضیح اهمیت مرگ نجات‌بخش خداوند عیسی استفاده می‌کند. موضوع پنجم، همانطور که ما از طریق بررسی گسترده‌تر

داستان کتاب مقدس، و به ویژه این مربوط به خلقت، سقوط، رستگاری، پیش می‌رویم، عهد جدید ارمیا ۳۱ است. در ارمیا ۳۱:۳۱-۳۲، این پیش‌بینی وجود دارد: بنابراین خدا زمان آینده‌ای را پیش‌بینی می‌کند که در آن عهد موسی را با عهد جدیدی جایگزین خواهد کرد.

از آنجایی که عهد جدید تعلیم می‌دهد که مرگ خداوند ما، آغاز عهد جدید بود، به ما می‌آموزد که در سخنان، عشای ربانی عیسی، می‌خواهیم به برخی از ویژگی‌های این عهد جدید که توسط ارمیا پیشگویی شده است توجه کنیم. حزقیال نیز در فصل‌های ۳۶ و ۳۷ به این موضوع اشاره می‌کند، اما ما فقط به این متن بسنده می‌کنیم زیرا به صراحت به عهد جدید اشاره می‌کند و عبرانیان ۸ به طور گسترده از ارمیا ۳۱ نقل قول می‌کند زمانی که نویسنده عهد جدید را در پرتو مرگ و رستاخیز مسیح توضیح می‌دهد. عهد جدید شامل درونی‌سازی شریعت خدا است.

در آیاتی که در بالا نقل کردیم، خداوند فرمود که عهد جدید مانند عهد عتیق نخواهد بود زیرا اسرائیل عهد عتیق خدا را شکسته بود. اسرائیل از شوهرش، خداوند، نافرمانی کرده بود. عهد جدید از این نظر متفاوت خواهد بود که قوم خدا با میل و رغبت از قلب خود از خدا اطاعت خواهند کرد.

ارمیا ۳۱:۳۳ این روش عهد جدید را توصیف می‌کند: «شریعت خود را در ذهن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل‌هایشان خواهم نوشت.»

خداوند کلام خود را در درون قومش قرار خواهد داد. شریعت او درونی خواهد شد. برخلاف نافرمانی اسرائیل تحت عهد عتیق، عهد جدید با اطاعت آزادانه مردم از خداوند مشخص خواهد شد.

البته، توسط ارواحی که در زندگی آنها کار می‌کنند. عهد جدید با رابطه‌ای با خدا مشخص خواهد شد. دومین ویژگی عهد جدید این است که رابطه‌ای جدید بین خداوند و قومش و بین آنها و او وجود خواهد داشت.

عهد جدید، تحقق وعده‌ای خواهد بود که خدا به ابراهیم داده بود. من عهد خود را به عنوان عهدی جاودانه بین خود و تو و فرزندان پس از تو، برای نسل‌های آینده برقرار خواهم کرد تا خدای تو و خدای فرزندان پس از تو باشند. پیدایش ۱۷:۷. در ارمیا ۳۱:۳۳، خدا می‌گوید، نقل قول کنید، من خدای آنها خواهم بود و پس از تو باشند. آنها قوم من خواهند بود.

عهد جدید با ایجاد یک رابطه شخصی بین خدا و قومش مشخص خواهد شد. او به آنها تعلق خواهد داشت و آنها به او تعلق خواهند داشت. منظور خداوند در ارمیا ۳۱:۳۴ نیز بسیار مشابه است: «دیگر کسی به همسایه خود تعلیم نخواهد داد و کسی به برادرش نخواهد گفت که خداوند را بشناس، زیرا همه آنها از «کوچک تا بزرگ مرا خواهند شناخت».

تحت عهد جدید، قوم خدا از رابطه‌ای شخصی با او برخوردار خواهند بود. در نهایت، عهد جدید با بخشش گناهان مشخص خواهد شد. سومین ویژگی عهد جدید در ارمیا ۳۱:۳۴ آمده است.

خداوند می‌گوید که اسرائیل او را به دلیل زیر خواهد شناخت: «زیرا من شرارت ایشان را خواهم بخشید و گناهانشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.» قوم عهد جدید خدا، بخشش گناهان خود را به شیوه‌ای جدید و کامل‌تر از همیشه خواهند دانست. در ارمیا ۳۱ هیچ اشاره‌ای به مسیح یا کار نجات بخش او نشده است.

و با این حال، همچنان که نقشه خدا در کتاب مقدس آشکار می‌شود، مرگ مسیح است که عهد جدید، لوقا را تأیید می‌کند و مزایایی را برای قوم خدا که در عبرانیان ذکر شده است، به ارمغان می‌آورد. پس از کمی، ۲۰:۲۲

تفکر در مورد داستان کتاب مقدس، بیایید به رستگاری به عنوان یک چشم‌انداز پردازیم. رستگاری برنامه‌ریزی شده، انجام شده، اعمال شده و به کمال رسیده است.

اگر به آموزه‌های کتاب مقدس در مورد رستگاری، به ویژه از دیدگاه عهد جدید، نگاه کنیم و به کل داستان عهد جدید نگاه کنیم، می‌بینیم که رستگاری یک چشم‌انداز وسیع است. یک چشم‌انداز. خداوند با قلم‌موی وسیعی آن را ترسیم می‌کند.

و صرفاً تفکر در مورد زمان نجات به ما کمک می‌کند تا این موضوع را درک کنیم. خدا قبل از خلقت جهان، نجات را برنامه‌ریزی کرده بود. او نجات را در قرن اول میلادی، در کار پسرش، محقق کرد.

و البته، این تمرکز این دوره است. اما برای درک بهتر آن، می‌خواهیم آن را در این زمینه از نجات به عنوان یک چشم‌انداز قرار دهیم. خداوند نجات را به وسیله روح، به صورت فردی و جمعی برای قوم خود اعمال می‌کند.

و خداوند تنها در آمدن دوم مسیح، رستگاری را به کمال خواهد رساند. بیایید کمی بیشتر به این موارد نگاه کنیم. رستگاری برنامه‌ریزی شده به انتخاب قومی برای خود توسط خداوند مربوط می‌شود.

ما در جاهای زیادی از این موضوع می‌خوانیم. برای مثال، در افسسیان ۱، می‌خوانیم که خدا ما، یعنی ایمانداران به مسیح، را پیش از آفرینش جهان برگزید تا در برابر او مقدس و بی‌عیب باشیم. همانطور که در یک پاراگراف طولانی زیبا، یک پاراگراف به یونانی از افسسیان ۱:۳ تا ۱۴، مترجمان انگلیسی کتاب مقدس آن را تقسیم‌بندی کرده‌اند تا بتوانیم آن را بهتر درک کنیم.

اما همانطور که آشکار می‌شود، ما با کلمات قابل توجهی روبرو هستیم. در مسیح، آیه ۷، ما از طریق خون او رستگاری، بخشش گناهان را داریم. این از کفار مسیح به عنوان یک رستگاری صحبت می‌کند، یکی از آن شش تصویر اصلی کتاب مقدس که بعداً به آنها خواهیم پرداخت.

بر اساس غنای فیض خود که آن را در کمال حکمت و بصیرت به ما ارزانی داشت و راز اراده خود را به ما آشکار ساخت. بر اساس هدف خود که آن را در مسیح به عنوان طرحی برای کمال زمان مقرر فرمود تا همه چیز را چه در آسمان و چه در زمین، در او متحد سازد. خدا پیش از آفرینش جهان، رستگاری را تدبیر کرد.

در کمال زمان، غلاطیان ۴:۴ می‌گوید، خدا پسر خود را فرستاد، زاده شده از زن، زاده شده در شریعت، تا کسانی را که در شریعت هستند، رهایی بخشد تا ما بتوانیم فرزندخواندگی را دریافت کنیم. در اینجا، کمال زمان حتی در مورد پایانی که در آن خدا همه چیز را در مسیح متحد خواهد کرد، البته به معنای کتاب مقدس، به کار رفته است. به همین ترتیب، اول پطرس ۱:۱۸ و ۱۹، از پسر خدا در چارچوب نقشه خدا صحبت می‌کند.

اول پطرس ۱:۱۸، مؤمنان باید با عشق به خدا و همچنین با احترام از خدا بترسند، و بدانند که شما از راه‌های بیبهده‌ای که از اجداد خود به ارث برده‌اید، نه با چیزهای فانی مانند نقره و طلا، بلکه با خون گرانبهای مسیح، رهایی یافته‌اید. بار دیگر، این موضوع رستگاری است. در اینجا، از زبان فدییه استفاده شده است.

این بهای رهایی است. به این ترتیب، ما با خون گرانبهای مسیح رهایی می‌یابیم، نه با نقره و طلا. شاید اشاره‌ای به رهایی بنی اسرائیل باشد، همانطور که خدا قبيله لاوی را برای خود مطالبه کرد و تفاوت در تعداد مردان با پرداخت نقره و طلا جبران شد.

اما شما با خون گرانبهای مسیح، مانند خون بره ای بی‌عیب و نقص، رهایی یافته‌اید. او پیش از بنیان جهان از پیش شناخته شده بود. این نقشه ای از جانب خدا پیش از این بوده است، اما در این زمان‌های آخر به خاطر

شما آشکار شد، که از طریق او به خدا ایمان دارید، خدایی که او را از مردگان برخیزانید و به او جلال بخشید تا ایمان و امید شما بر خدا باشد.

NIV مورد علاقه‌ام، از ESV و سپس مکاشفه ۱۳: ۸، از بره خدا صحبت می‌کند. در اینجا، من به جای نسخه نقل قول می‌کنم. می‌دانم که یونانی را می‌توان به روش‌های مختلفی ترجمه کرد، اما من خوانش سنتی‌تر را دوست دارم، که از مسیح به عنوان بره خدا صحبت می‌کند، که قبل از خلقت جهان ذبح شده است.

البته، مسیح قبل از تجسم خود نمرد، بنابراین آن نوع زبان، یعنی بره ای که قبل از خلقت جهان ذبح شد، از نقشه خدا برای فرستادن پسرش به عنوان یک انسان و در نهایت به عنوان خدا-انسان برای کفاره دادن گناهان در مرگش بر روی صلیب صحبت می‌کند. رستگاری یک چشم‌انداز است. با نقشه خدا قبل از خلقت آغاز می‌شود.

او نه تنها افرادی را برای خود برگزید، بلکه مسیح را نیز برگزید. اشعیا ۴۲: ۱ از او به عنوان برگزیده خدا یاد می‌کند. به همین ترتیب، همانطور که در اول پطرس ۱: ۲۰ از پیشگویی استفاده شده، او پیش از بنیان جهان از پیش شناخته شده بود.

پیش آگاهی در عهد جدید معانی مختلفی دارد. در این متن، به این معنی است که پسر توسط پدر برای نقش خود به عنوان نجات دهنده انتخاب شده است. بنابراین، نجات قبل از خلقت برنامه ریزی شده بود، اما ما قبل از خلقت زنده نبودیم.

هیچ انسانی نجات پیدا نکرد. بنابراین، در آن زمان هیچ کس نجات پیدا نکرد، اما می‌توان گفت، خب، اگر خدا آن را برنامه‌ریزی کرده بود، مطمئناً آنها به وجود می‌آمدند، و خدا اجازه سقوط را می‌داد، و مردم نجات می‌یافتند. من با همه اینها موافقم، اما نجات نه تنها توسط خدا برنامه‌ریزی شده بود؛ نجات باید توسط خدا انجام می‌شد.

ممکن است الان نگران باشید. یک دقیقه صبر کنید؛ این شبیه یک کار است. واقعاً کار می‌کند.

نه اعمال ما، بلکه اعمال مسیح. کتاب مقدس چنان واضح بیان می‌کند که رستگاری از طریق فیض و ایمان است و نه از طریق اعمال. من به آیه‌ای فکر می‌کنم که خداوند برای آوردن همسر، مری پت، به سوی خود، از آن استفاده کرد.

این خانمی است. قبل از اینکه ایماندار شود، در یک خانه کودکان معلول ذهنی کار می‌کرد و در تعطیلاتش برای تبلیغ مسیحیت به خیابان‌ها می‌رفت. چطور می‌توان تبلیغ مسیحیت خیابانی کرد؟ بدیهی است که او فکر می‌کرد مسیحی است و عضوی از گروهی بود که به خدا ایمان داشتند.

آنها برای جای پارک و هر چیز دیگری به خدا توکل می‌کردند، چون کامیونشان را باز می‌کردند و مردم شهادت می‌دادند، و او شهادتی نداد، و یکی از همکارانش گفت، مریم، تو آن موقع خودت نبود. تو خود جوشان خودت نبود، و او افسسیان ۲: ۸ و ۹ را برای او توضیح داد، زیرا به فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌ای، و این نجات از خودت نیست. این کار خداست تا هیچ کس در برابر او فخر نکند، و او ایمان آورد و سپس شهادتی برای دفعه بعد داشت.

ما به واسطه اعمال خود نجات نمی‌یابیم، اما قطعاً به واسطه اعمال، یا به تعبیری، کار نجات‌بخش پسر خدا، نجات می‌یابیم. عیسی نجات را در مرگ خود محقق کرد، اما طبق عهد جدید، و حتی پیش‌تر در اشعیا ۵۳

پیشگویی شده است، مرگ او از رستاخیزش جدایی‌ناپذیر است. من نمی‌گویم رستاخیز جدا از صلیب نجات می‌دهد، اما همچنین نمی‌گویم صلیب جدا از رستاخیز او نجات می‌دهد.

، آنها جدایی‌ناپذیرند. کالوین درست می‌گفت، و او از منظر هرمنوتیک فکر می‌کرد، که این یک تعبیر بد است اما جوهره آنچه او می‌گوید همین است. رستگاری با نجات مرگ توسط عیسی و رستاخیز پیروزمندانه محقق می‌شود.

کتاب مقدس گاهی اوقات آن را اینگونه ارائه می‌دهد و هر دو را ارائه می‌دهد. اول قرن‌تین ۱۵:۳ و ۴ به ذهن خطور می‌کند، رومیان ۹: ۱۰ و ۱۰، اما، کالوین گفت، معمولاً کتاب مقدس فقط به یکی از این دو اشاره نامیده می‌شود، این عبارت به معنای کل برای جزء، یا در synecdoche می‌کند، و به موجب این اصطلاح که این مورد، جزء برای کل است. وقتی کتاب مقدس از مصلوب شدن نام می‌برد، باید درک کنیم که این همچنین به این معنی است که او قیام کرده بود، و وقتی کتاب مقدس از رستاخیز او نام می‌برد، البته باید درک کنیم که این رستاخیز کسی است که ما را دوست داشت و خود را برای ما فدا کرد. در واقع، من نه رویداد نجات‌بخش از خداوند عیسی مسیح را می‌شمارم.

قلب و روح، مرکز کار نجات‌بخش او، مرگ و رستاخیز جدایی‌ناپذیر او هستند، اما همانطور که در سخنرانی‌های آینده خواهیم دید، مرگ و رستاخیز تنها نیستند. آنها توسط خدمت عظیم عیسی در متن قرار گرفته‌اند، رستگاری از قبل در آسمان برنامه‌ریزی شده بود، اما در آسمان محقق نشد؛ بلکه بر روی زمین محقق شد بنابراین خدا پسرش را فرستاد تا نجات‌دهنده جهان باشد، همانطور که اول یوحنا به ما می‌گوید، و این از تجسم سخن می‌گوید.

تجسم یک رویداد نجات‌بخش است، نه به خودی خود، همانطور که ارتدکس شرقی گاهی اوقات مورد انتقاد قرار می‌گیرد، و شاید به درستی، همانطور که گفته می‌شود، اما تجسم پسر خدا پیش‌نیاز ضروری برای رستگاری است. خدا در آسمان نمی‌تواند برای گناهان قوم خود بمیرد. خدا روی زمین می‌تواند برای گناهان قوم خود بمیرد، و این یک جمله مرموز است، اما صلیب از این جهت مرموز است که کسی که مرد، خداست.

درست است که خدا نمی‌تواند بمیرد، اما افسسیان ۲، عبرانیان ۲: ۱۵ می‌گوید که پسر دقیقاً به این دلیل انسان شد که از طریق مرگ، شیطان را شکست دهد و قوم خود را نجات دهد. بنابراین، خدا نمی‌تواند بمیرد، بلکه کسی که مرد، خدا بود و تجسم اولین پیش‌نیاز ضروری برای مرگ و رستاخیز مسیح است. دومین پیش‌نیاز ضروری، زندگی بی‌گناه اوست.

اگر عیسی گناه کرده بود، ما نجات نمی‌یافتیم. من با احترام صحبت می‌کنم. اگر او گناه کرده بود، به یک ناجی نیاز داشت، اما البته، خدا را شکر، او گناه نکرد.

بنابراین، من دو پیش‌نیاز ضروری می‌بینم: تجسم و زندگی بدون گناه. ما این موارد را با جزئیات کامل بررسی خواهیم کرد و خواهیم دید که چگونه خود کتاب مقدس می‌گوید که او بدون این کلمات دقیق تعلیم می‌دهد اما معنای کلمات این است که آنها پیش‌نیازهای ضروری مرگ و رستاخیز او هستند. البته، من فقط به طور گذرا اشاره خواهم کرد که مرگ او همراه با رستاخیزش نجات‌بخش است، اما پس از آن پنج نتیجه یا پیامد ضروری مرگ و رستاخیز او وجود دارد که بخشی از کار نجات‌بخش او، دستاورد نجات‌بخش او هستند.

فقط برای مرور، خدا نجات را در گذشته‌های ازلی برنامه‌ریزی کرده بود؛ او آن را در قرن اول به انجام رساند و در واقع، آن را در آن زمان به انجام رساند، و به دلیل چند مورد از این وقایع نجات‌بخش مسیح، تا زمان بازگشت دوباره مسیح نیز آن را به انجام خواهد رساند. پس از مرگ و رستاخیز او، عروج او از زمین به آسمان

کار نجات‌بخش عیسی است که او را از قلمرو محدود زمینی به قلمرو نامحدود آسمانی منتقل می‌کند، در آن زمان او در دست راست خدای پدر می‌نشیند. ما آن را جلسه او، نشستن او در دست راست خدا می‌نامیم.

این به عنوان یک رویداد نجات‌بخش، برای مثال، در کتاب عبرانیان ارائه شده است. او به عنوان پیامبر آسمانی نشسته است. او به عنوان کاهن بزرگی نشسته است که کارش کاملاً انجام شده و توسط خدا پذیرفته شده است و بنابراین، برای هر کسی که ایمان می‌آورد کاملاً مؤثر است.

او همچنین به عنوان پادشاه بر تخت سلطنت نشسته است و اکنون از طریق کلام و روح خود بر قوم خود حکومت می‌کند و منتظر روزی است که بازگردد و بر تمام زمین حکومت کند. عروج، جلسه، پنطیکاست عیسی در پنطیکاست، روح القدس را در تحقق پیشگویی یوئیل در یوئیل ۲ در رابطه با حزقیال ۳۶-۳۷ و آن وعده‌های عهد جدید، نازل می‌کند. به همان اندازه که مردن و دوباره برخاستن، بخشی از کار نجات‌بخش عیسی است.

بله، پدر و پسر، اما به طور خاص، کتاب اعمال رسولان به ما می‌آموزد که پسر، روح القدس را بر کلیسا می‌ریزد. در هر چهار انجیل، یحیی تعمید دهنده گفت: من شما را با آب تعمید می‌دهم. کسی در میان شما ایستاده است که شما را با روح القدس تعمید خواهد داد.

عیسی در انجیل‌ها چنین کاری نکرد. انجیل‌ها، به ویژه لوقا، در چند فصل اول کتاب اعمال رسولان فریاد می‌زنند. و در آنجا، مسیح که در غسل تعمید خود روح را دریافت کرد، روح را با تازگی و قدرت عظیم بر کلیسا جاری می‌کند.

اگر او در مرگ خود عهد جدیدی را تصویب کرد، در اینجا او عهد جدیدی را گسترش می‌دهد و آن را با اعلامیه منفجر می‌کند. و تعداد بیشتری از مردم در یک هفته برای نجات به او مراجعه می‌کنند تا شاید در کل سه سال و نیم خدمت عمومی او، زیرا لوقا می‌گوید، تئوفیلوس، من در نوشته‌های قبلی‌ام به تو نوشتم که عیسی تا روزی که به آسمان برده شد، چه کاری را شروع کرد و چه چیزی را تعلیم داد. همانطور که هاوارد مارشال در کتاب خود، لوقا، مورخ و متکلم، نشان می‌دهد، دلالت این است که او اکنون در اعمال رسولان می‌نویسد که عیسی با روح خود چه کاری را ادامه می‌دهد و چه چیزی را تعلیم می‌دهد، همانطور که پسر خدا در دست راست خدا می‌نشیند و روح را جاری می‌کند.

پنطیکاست بخشی از کار نجات‌بخش عیسی است. شفاعت او برای قومش نیز همینطور. رومیان ۸، شاید آیه ۳۴. باشد، او برای ما دعا می‌کند.

طبق عبرانیان ۷:۲۵، شفاعت او شامل تقدیم کار تمام‌شده‌اش، یعنی قربانی‌اش در حضور پدر در آسمان است. از هر دو طریق، او نجات قوم خود را حفظ می‌کند. او ما را حفظ می‌کند.

این نیز بخشی از کار نجات‌بخش اوست. پایان نهایی کار نجات‌بخش او، اوج او، ظهور دوباره است که کار نجات‌بخش اوست. بنابراین، نجات قبل از خلقت برنامه‌ریزی شده بود زیرا عیسی بره ای است که قبل از خلقت جهان ذبح شده است.

خدا نقشه کشیده بود که او را بفرستد و او بمیرد و برخیزد. کار نجات‌بخش عیسی در قرن اول به پایان رسید. اما ما در قرن اول نجات نیافتیم زیرا اگرچه برخی از ما از نظر سنی به هم نزدیک می‌شویم، من در سن ایده‌آل سالگی هستم و قرار است تا چند ماه دیگر ۷۳ ساله شوم ۷۲.

ما تا زمانی که روح القدس نجات را در زندگی ما به کار نگیرد، نجات نیافته‌ایم. خدا نقشه نجات را کشید و عیسی آن را به انجام رساند.

او تمام کارهای لازم برای رستگاری را انجام داد. خواهیم دید که کار او چنان باشکوه است که اگرچه خداوند واقعاً گناهان مقدسین عهد عتیق را بخشید، اما اساس یا زمینه نهایی این اتفاق، عبرانیان ۹:۲۳، کاری بود که عیسی بر روی صلیب انجام داد. مرگ او بر روی صلیب، قبل از مرگش بر روی صلیب، برای نجات مقدسین عهد عتیق مفید بود.

این باورنکردنی است. بنابراین، یک فداکاری او همه مردم را نجات می‌دهد؛ من این را به دو صورت بیان می‌کنم: همه برگزیدگان همه اعصار و همه مؤمنان همه اعصار و برای همه زمان‌ها. چه کار نجات‌بخشی است این.

من شگفت‌زده شدم، و تمام تلاشم را کردم تا عظمت کار نجات‌بخش عیسی را توصیف کنم. بین کهکشانی؟ کلمات را بلد نیستم. فراتر از تصور، عظیم است.

رستگاری توسط روح القدس اعمال می‌شود، که کار مسیح را در مرگ و رستاخیزش، به ویژه برای قوم خدا، به کار می‌گیرد. در رومیان ۶، پولس به مؤمنان یادآوری می‌کند که تعمید مسیحی نشان دهنده اتحاد با مسیح در مرگ و رستاخیز اوست. در گناه ادامه دهید تا فیض فراوان شود.

پولس به سقف برخورد می‌کند. خدا کند که هرگز چنین نشود! او می‌گوید: «چه وحشتناک! مگر نمی‌دانی که غسل تعمید داده شده‌ای؟» «و عمیق‌ترین معنای غسل تعمید مسیحی، اتحاد با مسیح در مرگ و رستاخیز اوست.

شما با غسل تعمید، نسبت به گناه مُردید. هنگامی که خدا شما را از نظر روحانی با پسرش متحد کرد، به تازگی حیات برخاستید. اتحاد با مسیح در مرگ و رستاخیز او، جامع‌ترین روش برای بیان کاربرد نجات است که شامل تولد دوباره، دعوت، عادل شمردگی، تقدیس، فرزندخواندگی، استقامت و غیره می‌شود.

تمام آن روش‌های شگفت‌انگیز صحبت کردن در مورد اینکه خدا کار تمام‌شده مسیح را در زندگی قوم خود، در زندگی، تاریخ، داستان و حیات خودشان به کار می‌گیرد. اول پطرس ۱:۳ متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را از نو زاده کرد. این در زمان و مکان است.

ما از مرگ روحانی به حیات روحانی می‌رسیم. او ما را از طریق رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، دوباره متولد کرده است. عیسی زنده است.

بنابراین، قوم او هنگامی که روح آنها را زنده می‌کند و به آنها حیات تازه می‌بخشد، برای خدا زنده می‌شوند. این همان کاربرد مرگ و در این مورد، رستاخیز مسیح در زندگی قوم اوست. اگر از منظر عهد جدید به کل داستان کتاب مقدس نگاه کنیم، رستگاری در واقع یک چشم‌انداز است.

این در ازل برنامه‌ریزی شده، در قرن اول توسط پسر به انجام رسیده، توسط روح خدا در داستان زندگی مؤمنان به کار گرفته شده، و تنها زمانی به کمال می‌رسد که عیسی دوباره بیاید. دوست دارم آخرین چیزها را خلاصه کنم. می‌دانم که تقریباً خونریزی وجود دارد.

اوضاع به بدی گذشته نیست. امروزه، مسیحیان حتی اگر با هزاره یا جنبه‌های دیگری از آن مسائل مخالف باشند، با هم کنار می‌آیند. من دوست دارم بر این چهار حقیقت که مؤمنان از قرن اول به آنها پایبند بوده‌اند، تأکید کنم.

بیاید در مورد اینها متحد شویم. بیاید در مورد چیزهای دیگر کار کنیم و در حین حل آنها یکدیگر را دوست داشته باشیم. آمدن دوباره مسیح، رستخیز مردگان، آخرین داوری، و سپس سرنوشت ابدی بهشت و جهنم.

آمدن دوباره، رستخیز، داوری نهایی، سرنوشت‌های ابدی. دقیق‌تر می‌گویم. سرنوشت ابدی شامل جهنم ابدی برای گمشدگان است، اما شامل رستخیز به زندگی، به زندگی ابدی بر روی زمین تازه شده در زیر آسمان‌های جدید برای همه قوم خدا می‌شود.

چرا افراد به زندگی برمی‌خیزند؟ زیرا عیسی مرد و دوباره زنده شد. چرا کلیسا به عنوان یک کل، همه قوم خدا در تمام اعصار، اسرائیل و کلیسا، به زندگی جدید در زمین جدید برمی‌خیزند؟ زیرا عیسی آنها را دوست داشت، مرد و دوباره زنده شد. چرا آسمان‌ها و زمین جدید وجود خواهد داشت؟ زیرا عیسی مرد و دوباره زنده شد.

همانطور که سخنرانی‌ها را مرور می‌کنیم، خواهیم دید که مسیح در واقع خلقت را نجات می‌دهد، رومیان ۸. او آسمان و زمین را آشتی می‌دهد، کولسیان ۱. و باز هم، موضوع رستگاری ممکن است در متن افسسیان ۱ که قبلاً خواندم، آیات ۷ تا ۱۰، باشد. بنابراین این به ما یک شروع می‌دهد. در سخنرانی بعدی خود، در مورد روش الهیاتی، اینکه چگونه حتی در مورد انجام الهیات فکر می‌کنیم، فکر خواهیم کرد تا بتوانیم در نحوه پرداختن به این موارد مهم، آگاهانه عمل کنیم.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کار نجات مسیح است. این جلسه ۱، مقدمه، بخش ۱، داستان کتاب مقدس، نجات برنامه‌ریزی شده، انجام شده، اعمال شده و به کمال رسیده است.